



## نظریه سینمای دولتی ایران

مقاله «نظریه سینمای دولتی ایران (تحلیل سیاست‌گذاری سینمای پس از انقلاب با تأکید بر سیاست‌های بنیاد سینمایی فارابی)» را مصطفی اسدزاده و حسام‌الدین آشنا نوشته‌اند و در سال ۱۳۹۹ در فصلنامه علمی مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، شماره ۳۴، دوره ۱۰ منتشر شده است.

نظریه سینمای دولتی ایران بیانگر نحوه مواجهه دولت جمهوری اسلامی با رسانه سینماست؛ رسانه‌ای که رهبران انقلاب از همان ابتدا با تأکید بر اهمیت آن، «تغییر فرم» آن را در حکومت اسلامی وعده دادند و خواستار نظارت و دخالت دولت در آن شدند. با تأسیس «بنیاد سینمایی فارابی» در سال ۱۳۶۲، این خواسته محقق شد و از آن تاریخ، سینمایی که دولت خواهان تولید و توزیع آن بود، با اعمال سیاست‌های سینمایی فارابی و هدایت و حمایت این «بنیاد» شکل گرفت. اکنون چهار دهه از تأسیس بنیاد سینمایی فارابی می‌گذرد. در این مدت، مدیران این بنیاد، هر کدام براساس فرهنگ سیاسی دولتی که اجازه فعالیت از آن داشته‌اند و نیز ارزش‌ها و باورهای خود، عامل و مجری سیاست‌گذاری‌های سینمایی بوده‌اند. در این پژوهش تلاش شده تا سیاست‌گذاری‌های سینمایی «بنیاد سینمایی فارابی»، نوع سینمای موردهدایت و حمایت بنیاد و نیز روایت سیاست‌گذاران سینما و مدیران فارابی در پنج دولت بعد از انقلاب، با رویکرد نهادگرایی تاریخی و روش «تحلیل روایت»، در سه بخش تولید فیلم، نمایش آن و جشنواره فیلم فجر شناسایی و تحلیل شود. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد سیاست‌گذاران و مدیران بنیاد سینمایی فارابی از زمان تأسیس تاکنون در اندیشه تولید فیلم ایرانی و ایجاد سینمای ملی بوده‌اند، اما هر کدام با برداشتی خاص و متفاوت از رسانه سینما و مفهوم سینمای ملی و مخاطبان آن، اقدام به سیاست‌گذاری در سینما و ایجاد نظام خاص تولید و توزیع فیلم در ایران کرده‌اند. بر مبنای این تحقیق، سیاست‌گذاران سینمای ایران فهم یکسانی از اینکه کدام نوع سینما می‌تواند در خدمت مردم و انقلاب باشد، ندارد. آن‌ها همچنین در مواجهه با منتقدان خود توافقی در تعریف مشترک از فرهنگ، ارزش، مردم، سینمای ملی و منافع ملی ندارند، از این‌رو برای اثبات حقانیت خود دائم در نزاع ارزشی با همدیگرند و هر کدام «مردم» را شاهی بر درستی سیاست‌های خود می‌دانند.